



مواجهه ای در شهادت حضرت زهرا(س)/حقانیت صدیقه طاهره در منابع اهل سنت

روایت هایی که پیامبر اسلام در مورد حضرت صدیقه طاهره(س) بیان کرده اند و مورد وثوق صحیح مسلم و صحیح بخاری است، می تواند به راحتی حقانیت حضرت زهرا(س) را در اتفاقات پس از رحلت پیامبر اثبات کند.

روایت هایی که پیامبر اسلام در مورد حضرت صدیقه طاهره(س) بیان کرده اند و مورد وثوق صحیح مسلم و صحیح بخاری است، می تواند به راحتی حقانیت حضرت زهرا(س) را در اتفاقات پس از رحلت پیامبر اثبات کند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مسئله شهادت حضرت صدیقه طاهره(س) مولفه اصلی هویت شیعه است و اگر این مسئله دچار تردید و تحریف شود، مذهب شیعه مورد استحاله قرار می گیرد. موضوع هجوم به خانه حضرت زهرا(س) و شهادت ایشان در منابع مورد وثوق اهل سنت مانند صحیح مسلم و صحیح بخاری مورد کتمان واقع شده است. کتب دیگر اهل سنت ماجرای شهادت حضرت زهرا را شرح داده است، اما این کتب مورد وثوق همه اهل سنت نیست و برایشان ثقه محسوب نمی شود. مثلاً حموی در کتاب *قرائد السیمطین*، مثل سید علی همدانی در کتاب *مودة القربی* روایاتی در این مورد دارند، اما اینها مورد وثوق همه اهل سنت نیستند. گاهی نیز برخی بزرگان اهل سنت روایاتی را در مورد شهادت حضرت زهرا نقل کرده اند که قصد نقد آنها را داشته اند و این به معنی اینکه آن را روایات را قبول دارند نیست. مثلاً کتاب *لسان المیزان* یا *میزان الاعتدال*، کتاب هایی هستند که می خواهند روات غیر ثقه را معرفی کنند و آنها را رد کنند.

در منابع مورد وثوق اهل سنت تهدید به احراق باب را می توان اثبات کرد و همچنین در مورد هجوم به بیت آن حضرت اشاراتی در این منابع وجود دارد مثل الامامه و السیاسة که منسوب به ابن قتیبه است، اما اهل سنت شهادت حضرت زهرا را نپذیرفته اند

در منابع مورد وثوق اهل سنت تهدید به احراق باب را می توان اثبات کرد و همچنین در مورد هجوم به بیت آن حضرت اشاراتی در این منابع وجود دارد مثل الامامه و السیاسة که منسوب به ابن قتیبه است. از سوی دیگر در مورد مسئله سقط حضرت محسن(ع) گزارش هایی وجود دارد مثل مسعودی، مثل مقدسی در *البدء و التاريخ*، مثل نظام و... که دیگر علمای اهل سنت، آن را نپذیرفته اند و محل بحث بوده است. لذا اهل سنت شهادت حضرت زهرا را نپذیرفته اند. نحوه استناد باید به علمای برجسته آنها باشد که آنها این مسئله را نپذیرفته اند.

اما چگونه می توان از طریق کتب مورد وثوق اهل سنت یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری مسئله ظلمی که به حضرت زهرا(س) روا داشته شده را اثبات کرد و حقانیت آن حضرت را بیان داشت؟ در گزارش پیش رو از منظر آیت الله سید محمد حسینی قزوینی و حجت الاسلام حامد کاشانی به پاسخ این سوال خواهیم پرداخت؛

آیت الله سید محمد حسینی قزوینی با اشاره به روایتی که مورد تأیید کتب معتبر اهل سنت یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری است می گوید: این فضایل بی نظیری که در رابطه با صدیقه طاهره(س) آمده است که قطعاً این فضایل در حق هیچ یک از صحابه حتی شخص امیر المؤمنین(ع) وارد نشده است. حدیث بضعه که پاره وجود نبی مکرم است، ما این تعبیر را در حد احدی نداریم که نبی مکرم بگوید مثلاً فلان صحابی پاره وجود من است یا نسبت به امیر المؤمنین، نسبت به امام حسن و امام حسین. ولی نسبت به حضرت زهرا(س) با تعبیر «قَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِیَّی» فاطمه پاره وجود من است نه پاره تن من که بعضاً اشتباه معنا می کنند، می گویند فاطمه زهرا پاره تن من است. گرچه تن نبی مکرم هم جایگاه و شرافت ویژه دارد. نمی گوید «فاطمه بضعه من جسمی»، «بضعه بدنی»، «قَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِیَّی» فاطمه پاره ی وجود من است، پاره ای از من است.

وی ادامه می دهد: گذشته از این که در منابع شیعه الی ماشاء الله وارد شده است، در منابع اهل سنت هم حتی در صحیح ترین کتاب اهل سنت آمده است. محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ که به قول سر سلسله جُنبان محدثین اهل سنت است و کتاب او بعد از قرآن صحیح ترین کتاب است. در چند جا حدیث «قَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِیَّی» را آورده است. من جمله در جلد چهارم، صفحه ی ۲۱۰ با چاپی که مکتبه اهل بیت دارد، چاپ دار الفکر بیروت، حدیث ۳۷۱۴ «فاطمه بضعه منی منی من أَعْضَبَهَا فَقَدْ أَعْضَبَنِي».

وی می گوید: مسلم متوفای ۲۶۱ است، ایشان هم باز در صحیح خود، جلد ۷، صفحه ی ۱۴۱، حدیث ۶۲۰۲ این روایت را

آورده است. نقل می کند «فَاطِمَةَ بَضْعَةَ مِثِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا». بخاری دارد «مَنْ أَعْضَبَهَا فَقَدْ أَعْضَبَنِي»، ولی مسلم دارد «يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا». شما آیه ی ۵۷ سوره احزاب را به آن اضافه کنید «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

آیت الله سید محمد حسینی قزوینی می گوید: از این نوع روایات ما زیاد داریم. مخصوصاً آلوسی که متوفای ۱۲۷۰ است و زرکلی که احیاگر سنت است و تراث وهابیت در کتاب الاعلام وقتی به آلوسی می رسد، می گوید: «كَانَ سَلَفِيَّ الْعَقِيدَةَ» ایشان حدیث «بَضْعَةَ مِثِّي» را در مستدرک، جلد ۳، صفحه ۱۵۵ می آید حضرت زهرا را با دیگر صحابه مخصوصاً با عایشه مقایسه می کند. می گوید قضیه ی حدیث «بَضْعَةَ مِثِّي» جایگاه خیلی بالا و والایی دارد که این چنین تعبیری درباره ی هیچ یک از صحابه نیامده است.

وی می افزاید: این احادیث وجود دارد «يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، «سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» این ها جایگاه رفیعی را برای حضرت زهرا معین می کند. ولی یک نکته ای را می خواهیم برای شما عرض کنم بعید می دانم تا به حال این را شنیده باشید. این که فاطمه زهرا سیده تمام زنان بهشتی است، در این رابطه روایات زیادی داریم. در کتب اهل سنت شاید بیش از ۲۰۰ مصدر از مصادر اهل سنت این روایت را آوردند. شیعه هم اِلی ماشاء الله. سیده زنان بهشتیان است؛ یعنی افضلیت حضرت زهرا از همه امهات مؤمنین حتی از خدیجه کبری، حتی از مریم (سلام الله علیها) بالاتر است.

وی ادامه می دهد: روایاتی را آقای ابن مردویه از استوانه های علمی اهل سنت است، متوفای ۴۱۰ هجری است. کتابی به نام مناقب امیر المؤمنین (ع) دارد. در صفحه ۱۷۷ نقل می کند که یک بار هم بیشتر چاپ نشده است. امیر المؤمنین بالای منبر رفت، فضایل خود را مطرح کرد، من سید اوصیاء هستم، خاتم اوصیاء هستم تا در این جا می گوید: «وَتَكُنْتُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» بین «سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» و «سَيِّدَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» خیلی فرق است. سرور تمام بهشتیان است یعنی افضلیت صدیقه طاهره را از همه انبیاء ثابت می کند. در بهشت حضرت آدم و حوا و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی (ع) هستند. وقتی زهرا ی مرضیه در جایگاه «سَيِّدَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» است.

آیت الله سید محمد حسینی قزوینی می گوید: خود علامه امینی هم در الغدیر خیلی از روایات ابن مردویه را استناد می کند. متوفای ۴۱۰ هجری است، در حقیقت معاصر شیخ مفید و سید مرتضی و قاضی عبد الجبار معتزلی و این ها بودند. قبل از شیخ طوسی است و تا حدودی معاصر شیخ صدوق در ۳۸۱ هجری است. یعنی ایشان جزء اولین ها است. می گوید «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

وقتی طبق روایت، یک فردی رضایت و غضب او رضایت و غضب پیغمبر است، رضایت و غضب او رضایت و غضب خداوند تبارک و تعالی است، آیا با این چند دستگی هایی که شده است، انصار یک طرف، مهاجرین یک طرف، ابوذر و سلمان و مقداد یک طرف، طلحه و دیگران یک طرف، این جا باید ببینیم حضرت زهرا با کدام دسته است؟ رضایت و غضب حضرت زهرا با چه کسی است؟ این خیلی راحت است، خیلی روشن است که مردم بتوانند حق را از ناحق تشخیص بدهند

وی می افزاید: لذا این روایاتی که در فضیلت صدیقه طاهره است که پاره وجود من است، غضب و رضایت او غضب و رضایت من است بلکه بالاتر «أَنَّ اللَّهَ يَعْضِبُ لِعَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا». حاکم نیشابوری با سند صحیح در مستدرک، جلد ۳، صفحه ۱۵۴ نقل می کند و بیش از هشت نفر از بزرگان اهل سنت به صراحت این روایت را تصحیح کردند مثل ابن حجر هیثمی، ابن حجر عسقلانی، خود هیثمی متوفای ۸۰۷ و افراد دیگر این روایت را تصحیح کردند. وقتی یک فردی رضایت و غضب او رضایت و غضب پیغمبر است، رضایت و غضب او رضایت و غضب خداوند تبارک و تعالی است. این می تواند معیار خیلی زیبایی باشد.

وی ادامه می دهد: آیا با این چند دستگی هایی که شده است، انصار یک طرف، مهاجرین یک طرف، ابوذر و سلمان و مقداد یک طرف، طلحه و دیگران یک طرف، این جا باید ببینیم حضرت زهرا با کدام دسته است؟ رضایت و غضب حضرت زهرا با چه کسی است؟ این خیلی راحت است، خیلی روشن است که مردم بتوانند حق را از ناحق تشخیص بدهند. پیغمبر نیست، ولی پاره وجود پیغمبر است. می تواند حجت را برای مردم تمام کند، می تواند حقیقت را برای مردم روشن کند.

وی با نقل خاطره ای از علامه امینی می گوید: علامه امینی در سفر خود به مصر با علمای الأزهر که بحث داشتند، ایشان ساکت بوده، حرف نمی زدند، خیلی اصرار می کنند که علامه امینی تو چرا حرف نمی زنی؟ ما می خواهیم از حرف های تو استفاده کنیم. می گوید من یک سؤالی از شما دارم، این سؤال من را جواب بدهید. گفتند: چیست؟ گفت:

آیا حدیث «وَمَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيَعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» را قبول دارید؟ گفتند: بله، شکی نیست، در صحاح آمده است و غیر قابل انکار است. گفت: فاطمه ی زهرا دختر پیغمبر و پاره ی وجود نبی مکرم آیا به این روایت ملتزم بوده است یا ملتزم نبوده است؟ اگر بگویید فاطمه زهرا به این روایت ملتزم نبوده است، پس صدیقه طاهره ای که «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» است، به سنت پیغمبر روی گردانده است و اگر بدون امام (نستجیر بالله) از دنیا رفته است، «مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» گفتند: نه، اصلاً چنین چیزی نیست. گفت: اگر چنانچه حضرت زهرا به این روایت ملتزم بوده است، عمل هم کرده است یا نه؟ با چه کسی بیعت کرده است؟ با ابوبکر و عمر یا با علی؟ امام زمان حضرت زهرا چه کسی بود؟

آیت الله سید محمد حسینی قزوینی ادامه می دهد: این که پیغمبر فرمود: غضب حضرت زهرا غضب من است و غضب حضرت زهرا غضب خدا است، شما در صحاح خود آوردید بر این که حضرت فاطمه زهرا در حالی از دنیا رفت که بر شیخین غضبناک بود که این را به صراحت بخاری در صحیح خود، جلد ۵، صفحه ی ۸۲، حدیث ۴۲۴۰ و حدیث ۴۱ نقل می کند که «قَابَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى قَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا، فَوَجَدَتْ قَاطِمَةَ عَلَى أَيْ بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُؤْفِقَتْ» غضبناک شد تا آخر عمر هم با ابوبکر صحبت نکرد.

وی می افزاید: علامه امینی با توجه به این می گوید آیا حضرت زهرا نمی تواند ملاک تشخیص حق از باطل باشد؟ غضب حضرت زهرا از عده ای و رضایت حضرت زهرا از فردی این دلیل بر حقانیت علی و عدم حقانیت دیگران نیست؟ همه سر خود را پایین می اندازند و جوابی ندارند که بگویند.

وی معتقد است: عده زیادی از اساتید دانشگاه ها و علمای بزرگ اهل سنت شیعه شدند به برکت همین قضیه «قَاطِمَةَ بَضْعَةَ مَيْتِي»، «أَنَّ قَاطِمَةَ غَضِبَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ» این دو را کنار هم می گذارند دیگر هیچ راه گریزی ندارند، راه فراری ندارند. راه توجیه هم ندارند. لذا نبی مکرم (ص) که می گوید زهرا ی مرضیه پاره وجود من است، رضایت او رضایت من، غضب او غضب من است، رضایت و غضب زهرا هم سنگ رضایت و غضب خدای عالم است، نبی مکرم می خواهد برای بعد از خودش حتی ۱۴۰۰ سال بعد هم، من قزوینی می خواهم با یک وهابی بحث کنم، بیایم از فاطمه ی زهرا به عنوان الگو، معیار و ملاک حق و باطل استفاده کنم تا اِلی قیام قیامت به این شکل است.

اینکه حضرت زهرا (س) سیده زنان اهل بهشت است و همچنین پاره تن نبی مکرم اسلام است مورد تأیید کتب صحیحین است و از سوی دیگر ناراحتی حضرت زهرا (س) بر طبق روایت ناراحتی خدا و رسول خوانده شده است. همچنین حضرت زهرا تا پایان عمر از خلیفه اول و دوم ناراضی بود (که این امر هم مورد وثوق صحیحین است). اگر فرض کنیم در مجادله خلفا و حضرت زهرا (س) حق با دختر رسول خدا نبوده است، این مسئله با «سیده نساء» بودن آن حضرت و همچنین روایت بضعه منی در تعارض است و امکان پذیر نیست

لذا اینکه حضرت زهرا (س) سیده زنان اهل بهشت است و همچنین پاره تن نبی مکرم اسلام است مورد تأیید کتب صحیحین است و از سوی دیگر ناراحتی حضرت زهرا (س) بر طبق روایت ناراحتی خدا و رسول خوانده شده است. همچنین حضرت زهرا تا پایان عمر از خلیفه اول و دوم ناراضی بود (که این امر هم مورد وثوق صحیحین است). اگر فرض کنیم در مجادله خلفا و حضرت زهرا (س) حق با دختر رسول خدا نبوده است، این مسئله با «سیده نساء» بودن آن حضرت و همچنین روایت بضعه منی در تعارض است و امکان پذیر نیست. چطور ممکن است کسی که «سیده نساء عالمین» است و طبق روایت رضایت او همان رضایت خدا و رسول است، در مورد امام و خلیفه بعد از پیامبر دچار اشتباه شده باشد؟ لذا با این دو روایت حقانیت صدیقه طاهره (س) اثبات می شود.

همچنین حجت الاسلام کاشانی در مورد اینکه موضوع شهادت صدیقه طاهره (س) در منابع اهل سنت مورد کتمان واقع شده است می گوید: عدالت صحابه، ناموس عقاید اینهاست؛ یعنی رشته ای است که اگر پاره شود همه مبانی فکری اینها به هم می ریزد. آنها می گویند صحابه ناقلین وحی بوده اند و زحمت زیادی کشیده اند و نقل اینکه صحابه با هم درگیری و اختلاف داشته اند باعث می شود مسلمانان نسبت به آنها کینه پیدا کنند یا نسبت به آنها تردید کنند. لذا در این خصوص به یک حکم شرعی می رسند که «الإمساك عَمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ وَاجِبٌ مُطْلَقاً» سکوت در مورد مشاجرات اصحاب مطلقاً واجب است. یعنی ما یک موردی داریم که از نظر فقهی طرف مقابل می گوید باید کتمان کنید. یک قسم تحریف، کتمان است. ذهبی به صراحت می گوید «یجب و اخفائه بل اعدامه» واجب است که اسناد را نابود کنید. صراحتاً حکم شرعی برای کتمان صادر کردند. بعد می گویند «وَ كِتْمَانُ ذَلِكَ مُتَعَيِّنٌ عَلَى الْعُلَمَاءِ» این کتمان هم بر مردم و هم بر علما واجب است. بالاترین مشاجره اصحاب کجاست؟ قضیه حضرت زهرا (س) و خلفاست. وقتی آنها برای کل مشاجرات کتمان را واجب می کنند برای حساس ترین این مشاجرات که قضیه حضرت صدیقه طاهره است طبیعتاً وجوب آن تأکید می شود.

وی ادامه می دهد: اهل سنت قدیم یا باید از مذهب خود برمی گشتند و یا باید تاریخ را تحریف می کردند که دومی را انتخاب کردند. ابن حجر مکی به ابن قتیبه اعتراض می کند که یا نباید نقل می کردی که خلیفه دوم با آتش به در خانه حضرت زهرا(س) رفت و یا اگر نقل کردی باید طوری نقل می کردی که به نفع ما باشد! شما از این چه برداشت می کنید؟ می گوید یا نقل نکن و یا طوری مطابق با جریان اهل سنت نقل کن!

وی می افزاید: ابن حزم به ابن قتیبه فحش می دهد که تو ابلهی که این را نقل کرده ای! هم نیت سیاسی پشت قضیه تحریف وجود دارد و هم فتوای دینی. امروز جالب است که طرف مقابل می گوید که ثابت کنید که حضرت زهرا شهید شده است! بعد از این همه تحریف چیزی باقی نمانده که با منابع اهل سنت بتوان آن را ثابت کرد. جوان سنی که محقق نباشد اگر این کتب را بخواند طبیعتاً اثری از شهادت پیدا نخواهد کرد.

کاشانی می گوید: این از مسلمات است که صدیقه طاهره(س) با خلیفه قهر کرد و بیعت نکرد و از دنیا رفت. خلیفه گفته بود، شما از میراث پیامبر ارث نمی برید و به یک روایت از قول پیامبر اشاره می کند که گفت من خودم از پیامبر شنیده ام. حضرت زهرا این را قبول نکرد.

وی ادامه می دهد: در اینجا دو اشکال پیش می آید، یکی اینکه حضرت زهرا(س) به چه دلیلی روایت را نپذیرفت؟ چطور سیده نسا اهل بهشت روایت صحیح را نپذیرفت؟ اگر بگوییم حضرت زهرا(س) روایت صحیح را نپذیرفته است پس ایشان چگونه سیده نسا اهل بهشت هستند؟ از طرفی چرا پیامبر اهل بیت از این حرف نرسیدن ارث به حضرت زهرا(س) درست بود چرا پیامبر این را به صدیقه طاهره(س) نگفته بود؟ پیامبر که به مرگ ناگهانی از دنیا نرفته است، چند روز در بستر بیماری بود و سخن می گفت، آیا این اهل بیت و مسامحه بی توجیه را می توان به پیامبر نسبت داد؟ پس در این فرض که اگر حرف خلیفه درست بوده باشد، یک اشکال بزرگ به نبوت پیامبر بوجود می آید که چرا جلوی اختلاف را نگرفت.

وی معتقد است: فرض سوم این است که پیامبر این حدیث را نگفته بود و حضرت زهرا(س) وثاقت خلیفه را قبول نکرد. برای همین قهر کرده است. لذا روایت را دروغ حساب کردند که خود صدیقه طاهره با آیات قرآن هم دروغ بودن آن را ثابت کردند که «و وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ». تا سال ها بعد اهل بیت از این موضوع کوتاه نیامدند و در مواقع مختلف به آن اشاره داشتند. یعنی وثاقت طرف مقابل را قبول نکردند. در منابع اهل سنت وجود دارد که امیرالمومنین در زمان خلیفه دوم باز در مورد فدک بحث می کنند. «أَرَى ثِرَائِي تَهْبَأُ» میراث ما را غارت کردند. ولو شهادت حضرت زهرا از منابع اهل سنت استفاده نشود، همین مسئله نارضایتی صدیقه طاهره(س) منهدم کننده مبانی آنان است.

کاشانی می گوید: این مسئله نارضایتی حضرت زهرا(س) که در منابع آنها به خاطر اغراضی که بحث مفصلی دارد، نقل شده، نمی توانند پاسخی به آن بدهند. لذا در منابع جدید به فکر چاره افتادند که مثلاً بن باز می گوید بعضی از جملاتی که در صحیح بخاری آمده درست نیست! یعنی حاضر شده به صحیح بخاری اتهام برند! برای اینکه می فهمند نمی توانند این مسئله را حل کنند.

در پایان باید گفت اگرچه مسئله شهادت حضرت زهرا(س) در منابع اصیل اهل سنت کتمان شده است، اما روایت هایی که پیامبر اسلام در مورد حضرت صدیقه طاهره(س) بیان کرده اند و مورد وثوق صحیحین است، می تواند به راحتی حقانیت آن حضرت را اثبات کند. اینکه بر اساس روایت، حضرت زهرا(س) «سیده نساء اهل جنه» است و یا «بضعه رسول الله» است و رضایت و یا ناراحتی او رضایت و ناراحتی رسول و خداست، همه مورد وثوق کتب صحیحین است. اینکه حضرت زهرا تا آخر عمر مبارکشان از خلیفه اول و دوم ناراضی است، اینکه آن حضرت چون سیده نساء است و چون بضعه رسول خداست، ممکن نیست بر مرگ جاهلیت از این دنیا رفته باشد و باید با امام زمان خویش بیعت کرده باشد، تعارضاتی است که اهل سنت نمی تواند به آن پاسخ دهد. لذا بر اساس کتب صحیحین و منابع معتبر اهل سنت، اگر شهادت حضرت زهرا(س) هم قابل اثبات نباشد(اگرچه فردی مانند ابن قتیبه که مورد وثوق همه اهل سنت است بر این مسئله صحه گذاشته است)، حقانیت آن حضرت در اتفاقات پس از رحلت پیامبر اسلام به راحتی قابل اثبات است.

عباس بنشاسته